

نقش الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در گرایش به اعتیاد در دانش آموزان *

احمد استاد رحیمی^۱، آیت‌اله فتحی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در گرایش به اعتیاد در دانش آموزان شهر تبریز بود. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این مطالعه شامل همه دانش آموزان دوره متوسطه شهر تبریز بود که ۳۷۵ نفر از دانش آموزان به صورت نمونه گیری اینترنتی داوطلبانه انتخاب شدند. شرکت کنندگان پرسش نامه الگوهای ارتباطی خانواده، پرسش نامه فرهنگ مدرسه و پرسش نامه گرایش به اعتیاد را تکمیل کردند. داده ها با روش های همبستگی پیرسون و رگرسیون تجزیه و تحلیل شدند. **یافته ها:** نتایج نشان داد که بین الگوی ارتباطی جهت گیری گفت و شنود و گرایش به اعتیاد رابطه منفی معنادار و بین جهت گیری همنوایی و گرایش به اعتیاد رابطه مثبت معناداری در دانش آموزان وجود داشت. همچنین، بین مولفه های فرهنگ مدرسه (روابط دانش آموزان، روابط دانش آموزان و معلمان و فرصت های آموزشی) و گرایش به اعتیاد روابط منفی معناداری وجود داشت. به علاوه، الگوهای ارتباطی خانواده و مولفه های فرهنگ مدرسه به ترتیب قادر به پیش بینی ۷ و ۱۱ درصد از واریانس گرایش به اعتیاد در دانش آموزان بودند. **نتیجه گیری:** با توجه به نقش متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در پیش بینی گرایش به اعتیاد در نوجوانان، می توان از نتایج حاضر در برنامه های پیشگیری و درمان اعتیاد استفاده کرد.

کلیدواژه ها: الگوهای ارتباطی خانواده، فرهنگ مدرسه، گرایش به اعتیاد، دانش آموزان

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم در موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان تبریز است.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، گروه روان شناسی، موسسه آموزش عالی چرخ نیلوفری آذربایجان، تبریز،

ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران. پست

الکترونیک: a.fathi64@gmail.com

مقدمه

نوجوانی دوره اوج خطر برای شروع اعتیاد است و دوره‌ای رشدی است که خطر برای انتقال از مصرف به سوء مصرف مواد وجود دارد. به گزارش مرکز اعتیاد و سوء مصرف مواد، ۷۵ درصد جمعیت نوجوان مواد اعتیاد آور را تجربه می‌کنند و گرایش به سمت مصرف و سوء مصرف در حال افزایش است (سیگل^۱، ۲۰۱۵). اعتیاد به الگویی غیر انطباقی از مصرف مواد گفته می‌شود که منجر به مشکلات مکرر و پیامدهای منفی می‌شود و مجموعه‌ای از علائم شناختی، رفتاری و روان‌شناختی را در بر می‌گیرد (سادوک و سادوک^۲، ۱۳۹۵). اعتیاد به مواد مخدر یک بیماری مزمن پزشکی است که با عدم توانایی فرد در کنترل انگیزه استفاده از مواد مخدر مشخص می‌شود (چمن و همکاران، ۱۳۹۹). اعتیاد به مواد مخدر باعث اختلال در عملکرد عصبی-روانی می‌شود و عوارضی نظیر مشکلات مالی، حقوقی، خشونت خانوادگی، درگیری بین فردی و اختلال در روابط شخصی را در پی دارد (پولز، ویلیامز، پالین، تیتلبوم و مرلو^۳، ۲۰۲۰). اعتیاد نه تنها زندگی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، بلکه نواقص و ناراحتی‌های زیادی را برای خانواده و جامعه ایجاد و بار زیادی را به آن‌ها تحمیل می‌کند. از آنجایی که اعتیاد اثرات بازدارنده بر رشد و شکوفایی جامعه دارد، تهدیدی جدی و نگران‌کننده است. اعتیاد و وابستگی به مواد به عنوان اختلالات مزمن و عودکننده همراه با تاثیرات و پیشایندهای اجتماعی، رفتاری، معنوی، زیستی، فرهنگی و روانی در نظر گرفته می‌شوند (علی‌پور، ۱۳۹۸). مطالعات نشان می‌دهند که درصد نوجوانانی که نیاز به درمان سوء مصرف مواد دارند در دهه گذشته افزایش یافته است (دهلبرگ، اندربرگ و ونبرگ^۴، ۲۰۱۷). پژوهش‌های انجام شده الگوهای ارتباطی خانواده را به عنوان عامل مهمی در پیشگیری از و یا گرایش فرزندان به سمت مواد مخدر شناسایی کرده‌اند (پیکو و کوواس^۵، ۲۰۱۰). رفتارهای اعتیادی در اشکال مختلف در بین خانواده‌ها شیوع بیشتری دارد و ممکن است عوامل

1. Siegel
2. Sadok & Saduk
3. Polles, Williams, Phalin,
Teitelbaum & Merlo

4. Dahlberg, Anderberg & Wennberg
5. Piko & Kovács

مختلفی نظیر مهارت‌های ضعیف والدین، مسائل ساختاری و روابط خانواده و فرهنگ اجتماعی و اقتصادی خانواده ممکن است در شکل‌گیری اعتیاد فرزندان دخیل باشند (ماتیو، رجمی و لاما، ۲۰۱۸). یافته‌های دیگر نیز گویای آن است که در شکل‌گیری وابستگی به مواد مخدر عواملی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، شیوه زندگی، روابط اجتماعی، نگرش‌ها، باورها، احساسات، دلبستگی‌ها، عواطف و رفتارهایی که در طی رشد فرد شکل گرفته‌اند، نقش اساسی ایفا می‌کنند (استون، بکر، هوپر و کاتالانو، ۲۰۱۲).

ارتباطات خانواده شیوه‌ای است که از طریق آن اطلاعات کلامی و غیر کلامی بین اعضای خانواده رد و بدل می‌شود. خانواده سیستم ارتباطی منحصر به فردی است که فراتر و متفاوت از روابط دوستانه می‌باشد و ارزش اصلی آن حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است. الگوهای ارتباطی خانواده می‌تواند از طریق شکل‌دهی شخصیت افراد، پیامدهای مهمی برای زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها داشته باشد (هوانگ، ۱۹۹۹). اهمیت ارتباط به قدری است که سنگ زیربنایی بهزیستی کل خانواده عنوان شده است، به طوری که الگوهای ارتباطی آشفته بر سلامت روان اعضای خانواده اثر چشم‌گیری دارد (شایفرت و شاوارد، ۲۰۱۱). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که احتمال گرایش به سمت مواد در فرزندان، به ویژه پسران که دارای پدر و مادر وابسته به مواد هستند و که کمتر از سوی والدین نظارت و هدایت می‌شوند، بسیار بالاتر است (چن و جاکبسون، ۲۰۱۱). بنابراین، محیط خانواده حمایت‌کننده، روابط صمیمی و نزدیک بین اعضای خانواده، مسئولیت‌پذیری و همکاری در انجام امور خانواده، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، نگرش مثبت خانواده به تحصیل فرزندان، مدیریت استرس، پرهیز از مصرف مواد در خانواده، هماهنگی والدین در تربیت فرزندان، روابط مناسب والدین، تقویت اعتقادات و باورهای مذهبی و شرکت در فعالیت‌های ورزشی، مذهبی و تفریحات سالم از عوامل محافظت‌کننده در خانواده در برابر گرایش به اعتیاد فرزندان محسوب می‌شوند (زینالی و پاشاشریفی، ۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد فرهنگ مدرسه نیز بر اعتیاد نوجوانان نقش اساسی داشته باشد، زیرا نوجوانان نصف روز را در مدرسه سپری می‌کنند. فرهنگ هم محصول و هم فرایند است. فرهنگ مدرسه مجموعه‌ای است از اصول اساسی و راه‌حل‌های مشترک برای مشکلات جهانی تطابق بیرونی (چگونه زنده بمانیم) و انسجام درونی (چگونه کنار هم بمانیم). این مفروضات و اصول اساسی در طول زمان تکامل می‌یابند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (روئینی‌ثانی، طالع‌پسند و جمشیدی، ۱۳۹۴). مید^۱ (۱۹۵۳) فرهنگ را الگوی رفتاری مشترک تعریف نموده است. برای ارائه تعریف دقیق از فرهنگ، فقط مشاهده رفتارها و آیین‌ها کافی نیست و آنچه مهم است معنا و مفهوم آن رفتارها است. یک رفتار خاص می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد و رفتارهای متفاوت می‌تواند معنایی واحد داشته باشند. در قلمرو تعلیم و تربیت، فرهنگ مدرسه با گستره‌ای از مفاهیم همچون جو، رسم و سنت، محدوده و فضای ذهنی و نظایر این‌ها مترادف دانسته شده است (به نقل از سهین^۲، ۱۹۸۵). در مدارس با فرهنگ‌های منفی یا دلسرد، کارکنان هدف‌های جداگانه دارند، هیچ درکی از تعهد به رسالت مدرسه احساس نمی‌کنند و انگیزه کمی برای بهبود یافتن دارند. در حالی که، در مدارس با فرهنگ حرفه‌ای قوی، کارکنان در هنجارهای پایدار تحصیلی و بهسازی سهیم هستند (دل^۳، ۱۹۹۳).

پژوهش‌های اندکی در زمینه الگوهای ارتباطی خانواده در گرایش به اعتیاد و مواد مخدر انجام شده، ولی در زمینه رابطه فرهنگ مدرسه در گرایش به اعتیاد نوجوانان تاکنون پژوهشی انجام نشده است. برای مثال، عبدالهی و دارابی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی مدل ساختاری نقش عوامل محیطی و خانوادگی در پیشگیری رشد‌مدار از گرایش به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان در کودکان و نوجوانانی که حداقل یک بار مواد مخدر یا مواد روانگردان استعمال کرده بودند، پرداختند. نتایج نشان داد عوامل محیطی و خانوادگی در پیشگیری رشد‌مدار از گرایش کودکان و نوجوانان به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان موثر هستند. تجلی و زرنقش (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافتند که بین الگوهای

ارتباطی خانواده و اعتیاد به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد. صدوری دمیرچی، رئیس قره درویشلو و رحیمی زرج آباد (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی با گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان رابطه دارند. فتحی، رضایی، موسوی فر و جلیز (۱۳۹۶) نشان دادند متغیر ارزش‌های دینی خانواده و مولفه‌های ارتباط با خدا و نماز در خانواده، ارتباط منفی و معنی داری با گرایش به اعتیاد در نوجوانان و جوانان داشت، اما ارتباط معناداری بین مذهبی بودن خانواده و مراسمات مذهبی در خانواده با گرایش به اعتیاد در بین نوجوانان و جوانان مشاهده نشد. احمدی و نباتی (۱۳۹۶) نشان دادند که فرهنگ مدرسه از جمله اعتقادات، باورها، نگرش‌ها و طرز رفتار بین آن‌ها بر جو و فضای روحی و روانی اخلاقی و تربیتی کودکان نقش داشته است. پیرزاده، نظری، زهراکار و بابایی گیوی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که مؤلفه‌های حل مسئله و ابزار عواطف با گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار داشتند. ایران‌دوست و محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که نوجوانانی که در خانواده‌های با الگوی ارتباطی گفت و شنود بالا و همنوایی پایین زندگی می‌کنند، درگیری کمتری با استعمال دخانیات دارند و نوجوانان با خانواده‌های دارای الگوی ارتباطی همنوایی درگیری بیشتری با مصرف سیگار و استعمال دخانیات دارند. شهریاری، دستجردی، حجت‌زاده، کیخانی و رضانی (۱۳۹۲) نشان دادند که در بعد کارکرد خانواده، بین پیوستگی فعلی (روابط عاطفی بین اعضای خانواده) و گرایش به اعتیاد دانشجویان مورد مطالعه رابطه منفی و معنی داری وجود داشت. هیمل، شلتن، هرن، مور و ون‌دن‌بری^۱ (۲۰۱۳) در پژوهشی به نقش کیفیت ضعیف روابط والدین با فرزندان به عنوان یک عامل پرخطر در بروز اعتیاد تاکید کرده‌اند. پلاتر و کلی^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به نقش خانواده در اعتیاد فرزندان تاکید کرده‌اند. خراشاهی و اسماعیلی شاد (۱۳۹۸) نشان دادند که بین فرهنگ سازمانی و از خود بیگانگی تحصیلی رابطه معکوس وجود دارد و بین فرهنگ سازمانی با سرمایه روان‌شناختی رابطه

مثبت وجود دارد. جونز و عزیزی^۱ (۲۰۱۱) دریافتند که رابطه‌ی بین پیشرفت تحصیلی و مولفه‌ی روابط همکاران مثبت و معنادار است، ولی در مدارس با اندازه‌ی بزرگ این رابطه مشاهده نشد.

چنانچه مشاهده گردید، در رابطه با نقش پیش‌بینی‌کننده فرهنگ مدرسه در رابطه با گرایش به اعتیاد نوجوانان پژوهشی انجام نشده است و اهمیت و لزوم شناخت هر چه بیشتر عوامل خطرزا و شناسایی افراد مستعد به سوء‌مصرف مواد بیش از پیش آشکار می‌شود. همچنین، به منظور جلوگیری از زایل شدن نیروی انسانی کشور و جلوگیری از مصرف هزینه‌های گزاف جهت درمان اعتیاد و رسیدن به راهبردهای جدید تحقیق در زمینه سوء‌مصرف مواد، مداخلات پیشگیرانه ضروری است. همچنین، پیشگیری موثر از گرایش به اعتیاد نیازمند شناخت و درک علل احتمالی در گرایش به اعتیاد نظیر الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سوال بود که آیا الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در پیش‌بینی گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان نوجوان نقش دارند؟

۲۸۰

280

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تبریز بود که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ مشغول به تحصیل بودند و تعداد آن‌ها برابر ۱۵۰۰۰ نفر بود. بر اساس جدول مورگان و کرجسی، ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه به صورت فراخوان اینترنتی داوطلبانه انتخاب شدند که با توجه به احتمال ریزش و مخدوش بودن تعداد زیاد پرسش‌نامه‌ها در تکمیل اینترنتی، نمونه‌گیری تا ۴۰۰ نفر ادامه پیدا کرد. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزانی که پرسش‌نامه‌ها را کامل ارائه کرده بودند، وارد تحلیل شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه در محدوده سنی ۱۵ الی ۱۹ سال شهر تبریز بود و ملاک خروج شامل

دانش آموزانی بود که پرسش نامه‌ها را به صورت ناقص تکمیل کرده بودند و یا تمایلی به شرکت در پژوهش نداشتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان در نرم افزار اسپس اس-۲۲ انجام گرفت.

ابزار

۱- پرسش نامه میزان تمایل به اعتیاد: این پرسش نامه به صورت محقق ساخته و با استفاده از برخی منابع علمی از قبیل فرجاد (۱۳۸۵) طراحی گردید و دارای ۱۶ سوال است. هدف کلی آن بررسی میزان تمایل به اعتیاد از سه بعد اجتماعی، فردی و محیطی در افراد مختلف می باشد. هر سوال پرسش نامه به صورت طیف لیکرت پنج درجه‌ای از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره گذاری می شود. به منظور بدست آوردن امتیاز کلی پرسش نامه، مجموع امتیاز همه سوالات را با هم جمع می نمایم و دامنه نمرات از ۱۶ تا ۸۰ می باشد و هر چه این امتیاز بالاتر باشد، بیانگر میزان تمایل بیشتر شخص پاسخ دهنده به اعتیاد خواهد بود و برعکس. میرحسامی (۱۳۸۸) پایایی پرسش نامه با روش آلفای کرونباخ را محاسبه کرد و آن را برابر با ۰/۷۹ به دست آورد.

۲۸۱

281

۲- پرسش نامه الگوی ارتباطات خانواده: این پرسش نامه توسط ریتچی و فیتزپاتریک^۱ (۱۹۹۰) طراحی شده است و شامل ۲۶ سوال می باشد که دو بعد گفت و شنود و همنوایی را می سنجد. مقیاس این پرسش نامه از نوع لیکرت می باشد که در یک طیف ۵ درجه‌ای از کاملاً شبیه (نمره ۵) تا کاملاً متفاوت (نمره ۱) قرار می گیرد. ۱۵ سوال اول مربوط به بعد جهت گیری گفت و شنود و ۱۱ سوال بعدی مربوط به جهت گیری همنوایی می باشند. هر آزمودنی دو نمره از این ابزار بدست می آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی در خانواده خود به ترتیب جهت گیری گفت و شنود یا همنوایی بیشتری را ادراک می کند. ابزار الگوی ارتباطات خانواده از روایی محتوایی برخوردار است (کوئرر و مری آنه^۲، ۲۰۰۲). در مورد روایی ملاکی نشان داده شده است که انواع متفاوت خانواده‌ها و ابعاد زیربنایی تیپ‌شناسی آن‌ها با اندازه‌هایی که از لحاظ نظری به آن‌ها

مربوط هستند، همبستگی دارند (کوئرنر و مری‌آنه، ۲۰۰۲). در ایران، کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ برای بعد گفت و شنود ۰/۸۷ و برای بعد هم‌نویی ۰/۸۱ به دست آوردند.

۳- پرسش‌نامه فرهنگ مدرسه: پرسش‌نامه فرهنگ مدرسه توسط هیگینز-دی‌الساندرو و ساد^۱ (۱۹۹۷) به منظور سنجش فرهنگ مدرسه طراحی و تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۲۵ سوال و ۴ مولفه می‌باشد. در پژوهش قلاوندی، امانی ساری‌بگلو، غلامی و اکبری‌سوره (۱۳۹۲)، این پرسش‌نامه به ۱۸ سوال و ۳ مولفه روابط دانش‌آموزان (۴ سوال اول)، روابط دانش‌آموزان و معلمان (۶ سوال دوم) و فرصت‌های آموزشی (۸ سوال آخر) تقسیم یافته است و بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، متوسط=۳، موافق=۴ و کاملاً موافق=۵) نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش قلاوندی و همکاران (۱۳۹۲) برای این پرسش‌نامه بالای ۰/۷۰ گزارش شد و ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های روابط دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان و معلمان، فرصت‌های آموزشی و نمره کل پرسش‌نامه به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ گزارش شده است.

۲۸۲

282

یافته‌ها

دامنه سنی نمونه مورد بررسی بین ۱۵ تا ۱۹ سال با میانگین سنی ۱۷/۵ بود. میزان ۴۳ درصد از شرکت‌کنندگان در مقطع اول دبیرستان، ۴۰ درصد در مقطع دوم دبیرستان و ۱۷ درصد در مقطع سوم دبیرستان بودند. آماره‌های توصیفی و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی و نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	آماره Z	معناداری
گرایش به اعتیاد	۳۷/۳۸	۷/۵۹	۰/۰۴	۰/۱۹
جهت گیری گفت و شنود	۴۴/۵۶	۷/۷۲	۰/۰۴	۰/۲۰
جهت گیری همنوایی	۲۶/۵	۴/۵۵	۰/۰۴	۰/۲۰
روابط دانش آموزان	۱۰/۳۴	۳/۴۰	۰/۰۳	۰/۲۰
روابط دانش آموزان و معلمان	۱۷/۲۶	۵/۷۷	۰/۰۴	۰/۲۰
فرصت های آموزشی	۲۲/۳۲	۵/۷۷	۰/۰۴	۰/۲۰
نمره کلی فرهنگ مدرسه	۴۹/۹۲	۹/۶۲	۰/۰۲	۰/۲۰

ماتریس همبستگی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش با گرایش به اعتیاد

متغیرها	گرایش به اعتیاد
مولفه های الگوهای ارتباطی خانواده	جهت گیری گفت و شنود -۰/۲۷*
مولفه های فرهنگ مدرسه	جهت گیری همنوایی -۰/۱۸*
	روابط دانش آموزان -۰/۱۷*
	روابط دانش آموزان و معلمان -۰/۲۷*
	فرصت های آموزشی -۰/۱۸*

* $p < 0.01$.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، از میان دو مولفه الگوهای ارتباطی خانواده، جهت گیری گفت و شنود ارتباط منفی معنادار ($r = -0.27$) و جهت گیری همنوایی ارتباط مثبت معنادار ($r = 0.18$) با گرایش به اعتیاد داشتند ($p < 0.01$). همچنین، همه مولفه های فرهنگ مدرسه شامل روابط دانش آموزان ($r = -0.17$)، روابط دانش آموزان و معلمان ($r = -0.27$) و فرصت های آموزشی ($r = -0.18$) ارتباط منفی معناداری با گرایش به اعتیاد داشتند ($p < 0.01$). با توجه به ارتباط معنادار متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، می توان از روش رگرسیون برای پیش بینی گرایش به اعتیاد بر اساس متغیرهای مستقل استفاده کرد. علاوه بر همبستگی معنادار بین متغیرها، قبل از تحلیل رگرسیون باید پیش فرض های دیگری نیز رعایت شوند. یکی از پیش فرض ها، بررسی استقلال خطاها است که با استفاده از آزمون دوربین واتسون بررسی شد. نتایج جدول ۳ گویای آن است که این پیش فرض

رعایت شد. همچنین، مقدار عامل تورم واریانس متغیرهای پیش‌بین برابر ۱/۸۱ و ۱/۸۴ بود که بر اساس آن فرض هم‌خطی چندگانه رد می‌شود (عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ مورد قبول می‌باشد). نتایج پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس یکراهه برای معناداری کل مدل پیش‌بینی گرایش به اعتیاد

مدل	متغیرها	دوربین واتسون	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	معناداری
مدل ۱	الگوهای ارتباطی خانواده (گفت و شنود و همنوایی)	۱/۸۱	۱۵۷۵/۴۷	۲	۷۸۷/۷۴	*۰/۰۰۱
			۱۹۷۲۷/۰۸	۳۶۷	۵۳/۷۵	
			۲۱۳۰۲/۵۵	۳۶۹		
مدل ۲	مولفه‌های فرهنگ مدرسه	۱/۸۴	۲۳۰۶/۰۹	۳	۷۶۸/۷۰	*۰/۰۰۱
			۱۸۹۹۶/۴۵	۳۶۶	۵۱/۹۰	
			۲۱۳۰۲/۵۵	۳۶۹		

* $p < 0.001$.

نتایج تحلیل واریانس یکراهه در جدول ۳ نشان داد که کل مدل رگرسیون برای پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس الگوهای ارتباطی خانواده (گفت و شنود و همنوایی) (مدل ۱) و مولفه‌های فرهنگ مدرسه (مدل دوم) معنادار بود ($p < 0.001$).

جدول ۴: ضرایب رگرسیونی پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس مولفه‌های الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه

مدل	متغیرهای پیش‌بین	بتا	خطای استاندارد	F	t	ضریب پیش‌بینی	معناداری
مدل ۱	الگوی ارتباطی گفت و شنود	-۰/۲۱	۰/۰۵	۱۴/۶۶	-۴/۰۹	۰/۰۷	* ۰/۰۰۱
	الگوی ارتباطی همنوایی	۰/۱۶	۰/۰۷		۲/۲۵		
مدل ۲	فرهنگ روابط دانش‌آموزان	-۰/۲۸	۰/۱۱		-۲/۴۶		
	روابط دانش‌آموزان و معلمان	-۰/۳۰	۰/۰۷		-۴/۵۲		
	فرصت‌های آموزشی	-۰/۲۰	۰/۰۷	۱۴/۸۱	-۳/۰۷	۰/۱۱	* ۰/۰۰۱

* $p < 0.001$.

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، مولفه‌های الگوهای ارتباطی جهت‌گیری گفت و شنود به طور منفی و معنادار ($\beta = -0/21$) و جهت‌گیری همنوایی به طور مثبت و معنادار ($\beta = 0/16$) توانستند ۷ درصد از واریانس گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند ($F = 14/66$, $R^2 = 0/07$, $p < 0/001$). همچنین، مولفه‌های فرهنگ مدرسه شامل روابط دانش‌آموزان ($\beta = -0/28$)، روابط دانش‌آموزان و معلمان ($\beta = -0/30$) و فرصت‌های آموزشی ($\beta = -0/20$) به شکل منفی و معناداری توانستند ۱۱ درصد از تغییرات گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند ($F = 14/81$, $R^2 = 0/11$, $p < 0/001$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و فرهنگ مدرسه در گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان نوجوان شهر تبریز بود. نتایج نشان داد که بین مولفه الگوی ارتباطی گفت و شنود و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه منفی وجود داشت، ولی بین مولفه الگوی ارتباطی همنوایی و گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان رابطه مثبت وجود داشت که این نتایج با یافته‌های مطالعات قبلی از جمله چمن و همکاران (۱۳۹۹)، عبدالهی و دارابی (۱۳۹۹)، تجلی و زرنقش (۱۳۹۸)، صدری‌دمیرچی و همکاران (۱۳۹۷)، فتحی و همکاران (۱۳۹۶)، پیرزاده و همکاران (۱۳۹۴)، پولز و همکاران (۲۰۲۰)، ماتو و همکاران (۲۰۱۸)، هیمل و همکاران (۲۰۱۳) و پلاتر و کلی (۲۰۱۲) همسو است.

برای مثال، عبدالهی و دارابی (۱۳۹۹) در پژوهشی دریافتند که عوامل محیطی و ارتباط خانوادگی در پیشگیری رشد‌مدرار از گرایش کودکان و نوجوانان به مصرف مواد مخدر و روان‌گردان موثر هستند. صدری‌دمیرچی و همکاران (۱۳۹۷) نیز نشان دادند که متغیرهای الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی با گرایش به سوء مصرف مواد رابطه داشتند و جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری همنوایی به ترتیب بیشترین نقش در پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد را داشتند. ایران‌دوست و محمدی (۱۳۹۳) در پژوهشی بیان می‌کنند نوجوانانی که در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی گفت و شنود بالا و همنوایی پایین زندگی می‌کنند، درگیری کمتری با استعمال دخانیات دارند و نوجوانانی که در خانواده‌های آنان الگوی ارتباطی همنوایی غالب است، درگیری بیشتری با مصرف

سیگار و استعمال دخانیات پیدا کرده‌اند. ماتیو و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که رفتارهای اعتیادی در اشکال مختلف در بین خانواده‌ها شیوع بیشتری دارد و ممکن است با عوامل مختلفی نظیر مهارت‌های ضعیف والدین، مسائل ساختاری و روابطی خانواده و فرهنگ اجتماعی و اقتصادی خانواده در ارتباط باشند. هیمل و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به نقش کیفیت ضعیف روابط والدین با فرزندان به عنوان یک عامل پرخطر در بروز اعتیاد تاکید کرده‌اند.

در تبیین این یافته مطالعه حاضر می‌توان گفت که نوجوانانی که در خانواده‌هایی با الگوی ارتباطی گفت و شنود بالا و همنوایی پایین زندگی می‌کنند، درگیری کمتری با گرایش و مصرف مواد دارند و نوجوانانی که در خانواده‌های آنان الگوی ارتباطی همنوایی غالب است درگیری بیشتری با مصرف مواد دارند. در واقع، در خانواده دارای جهت‌گیری گفت و شنود، والدین فرزندان را تشویق می‌کنند تا در مورد مسائل مختلف به بحث و تفکر پردازند و از تاکید بیش از حد بر همنوایی و به عبارتی تقلید کورکورانه بپرهیزند. در چنین خانواده‌هایی فرزندان پذیرش، تایید و تحسین و گفتگوی آزادانه و بدون ترس از تنبیه والدین را تجربه می‌کنند. والدین در این خانواده‌ها با بهره‌گیری از یک ارتباط سازنده و در جریان گفتگوی صمیمانه با فرزند خود به رشد عوامل سلامت نوجوانان نظیر افزایش میزان اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های مقابله‌ای سازنده در برابر استرس، رشد میزان تاب‌آوری و کاهش مشکلات عاطفی و هیجانی در فرزندان خود نظیر افسردگی و اضطراب که در مقاوم کردن نوجوانان در برابر استعمال دخانیات نقش دارند، کمک می‌کنند (ما^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین، خانواده‌هایی که در بعد گفت و شنود نمرات پایین دارند، اعضای خانواده تعامل کمتری با یکدیگر دارند و تنها در موضوعات کمی به صورت باز با اعضای خانواده بحث می‌کنند و همه اعضا در تصمیم‌گیری‌های خانواده نقش ایفا نمی‌کنند. نوجوانانی که در خانواده‌هایی با الگوهای ارتباطی همنوایی بالا زندگی می‌کنند، بر همنوای کردن عقاید و نگرش‌ها تاکید می‌کنند. این نوع جهت‌گیری بر هماهنگی، اجتناب از تعارض و کشمکش و وابستگی و چسبندگی اعضا به یکدیگر تاکید

می‌کند. این خانواده‌ها ساختار سنتی دارند. با این نگاه ساختاری، نظام خانواده سلسله مراتبی و به هم متصل است. ارتباط و تعامل درون خانواده اهمیت بیشتری از ارتباط با بیرون خانواده دارد. چنین خانواده‌هایی اعتقاد دارند که برنامه افراد باید با اعضای دیگر خانواده هماهنگ باشند و انتظار دارند که اعضای خانواده وابستگی و علائق خود را پایین‌تر از خواسته و علائق خانواده قرار دهند و والدین نیز انتظار دارند که براساس خواست آن‌ها کار صورت گیرد (کشتکاران، ۱۳۸۸). بر اساس نظر بندورا^۱ (۱۹۹۹)، استعمال دخانیات و رفتار سوء مصرف مواد به وسیله الگوبرداری، تقلید و تقویت در حوزه روابط بین فردی آموخته می‌شود (به نقل از ایران‌دوست و محمدی، ۱۳۹۳).

نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که رابطه مولفه‌های فرهنگ مدرسه شامل روابط دانش‌آموزان، روابط دانش‌آموزان و معلمان و فرصت‌های آموزشی با گرایش به اعتیاد دانش‌آموزان معنی‌دار بود. همچنین، این مولفه‌ها به طور منفی و معناداری گرایش به اعتیاد را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کردند. به عبارت دیگر، هر چه فرهنگ مدرسه بهتر و بالاتر باشد، تمایل به اعتیاد نیز کمتر است و برعکس. در رابطه با یافته حاضر تاکنون پژوهشی انجام نشده است ولی برخی از محققان از جمله خراشاهی و اسماعیلی‌شاد (۱۳۹۸)، احمدی و نباتی (۱۳۹۶)، روئینی‌ثانی و همکاران (۱۳۹۴)، جونز و عزیزی (۲۰۱۱) و الساندرو و ساد (۱۹۹۷) هر کدام به نتایجی همپوش با مطالعه حاضر دست یافته‌اند برای مثال، خراشاهی و اسماعیلی‌شاد (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان داد که بین فرهنگ سازمانی مدرسه و از خودبیگانگی تحصیلی رابطه معکوس وجود داشت و بین فرهنگ سازمانی مدرسه با سرمایه روان‌شناختی رابطه مثبت وجود داشت. احمدی و نباتی (۱۳۹۶) در پژوهشی دریافتند که فرهنگ مدرسه از جمله اعتقادات، باورها، نگرش‌ها و طرز رفتار بین آن‌ها بر جو و فضای روحی و روانی بر اخلاق و تربیتی کودکان موثر هستند. روئینی‌ثانی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که در مدارس با حجم کوچک، رابطه بین پیشرفت تحصیلی و روابط همکاران مثبت و معنادار بود، ولی در مدارس با اندازه بزرگ چنین رابطه‌ای مشاهده نشد. توجه به فرهنگ مدرسه از جمله مولفه‌های افزایش پیشرفت

تحصیلی در مدارس است و این مولفه نقش موثری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی ایفا می کند (روئینی ثانی و همکاران، ۱۳۹۴). جونز و عزیزی (۲۰۱۱) در پژوهشی دریافتند که در مدارس با حجم متوسط و کوچک، رابطه‌ی پیشرفت تحصیلی با مولفه‌ی روابط همکاران مثبت و معنادار است، ولی در مدارس با اندازه‌ی بزرگ این رابطه مشاهده نشد.

در تایید یافته‌های این تحقیق با یافته‌های دیگر پژوهشگران باید خاطر نشان کرد که بدون شک در مدارس که مدیر، معلم، دانش آموزان و والدین آن‌ها باورها، نگرش‌ها و گرایش‌های همسانی نسبت به امور بایسته و شایسته تعلیم و تربیت دارند و از افکار، ایده‌ها، راهبردها و رویکردهای یکدیگر برای رسیدن به کمال مطلوب نظام تعلیم و تربیت حمایت می‌کنند، فرهنگ سازمان مدرسه‌ای قوی بر آن حاکم است و جو مشارکت و یکپارچه بودن در آن محیط حکم فرماست. پژوهشگران چنین فرهنگی را مثبت یاد می‌کند و معتقد هستند که مدرسه‌ای با چنین فرهنگ تشکل‌گرا، حامی و تقویت‌کننده یاددهی و یادگیری است. چنانچه مدرسه‌ای از حمایت این چنینی برخوردار نباشد و هر گروه یا هر فردی بنا بر هدف، ایده، نظر، روش و سلیقه خاص خود عمل کند به طور حتم دارای چنان فرهنگ ضعیفی است که حتی نمی‌تواند تلاش‌های فردی را در جهت تحقق هدف‌های مورد نظر نظام تربیت سازماندهی کند. این فرهنگ حتی می‌تواند مانع یادگیری شود. فرهنگ قوی یا مثبت مدرسه‌ای نیروی توانمندی است که بر آنچه دانش آموزان، معلمان و والدین درباره آن گفتگو و عمل می‌کنند، اثر می‌گذارد و زمینه‌ساز تغییر و طرز تلقی آن‌ها از یاددهی-یادگیری و اشتیاق آن‌ها به اصلاح رفتارهای خود همسو با ارزش‌های مورد نظر می‌شود. مدارس دارای فرهنگ مثبت از نوعی احساس همبستگی و همکاری برخوردارند و برای رشد و توسعه حرفه‌ای کارکنان و دانش آموزان فرصت‌های بسیاری فراهم می‌کنند، که از گرایش به اعتیاد و مصرف مواد مخدر جلوگیری می‌کند (به نقل از خراشاهی و اسماعیل شاد، ۱۳۹۸).

بنابراین، در تبیین نتایج مطالعه حاضر می‌توان گفت که در مدارس که فرهنگ مثبتی بر آن‌ها حاکم است، دانش آموزان و معلمان به راحتی و آزادانه در مورد مسائل و مشکلات

مدرسه صحبت می کنند، معلمان به دانش آموزان فرصت اظهار نظر در مورد قوانین و قواعد مدرسه را می دهند و بعضی از قوانین مدرسه با رای گیری از معلمان و دانش آموزان وضع می شوند که این امر باعث می شود دانش آموزان در آن مدارس احساس آزادی عمل نموده و نیاز به خودمختاری آنان برآورده شود و در مورد نیاز به شایستگی، پسخوراند مثبت عملکرد باعث برآورده شدن این نیاز می شود (روا، ۲۰۰۹). در نتیجه، وقتی فرهنگ مدرسه بالا باشد، دانش آموزان آموزش خوبی را دریافت می کنند و مطالب مفیدی را یاد می گیرند. آن‌ها می آموزند که مسئولیت پذیر بوده و باید از خود و دیگران مراقبت کنند. در این مدارس به دانش آموزان فرصت تفکر در مورد مسائل دنیای واقعی داده می شود. همچنین، آن‌ها در مدرسه امکانات و فرصت رسیدن به آینده‌ای خوب و دلخواه را دارند (الساندرو و ساد، ۱۹۹۷). این ویژگی باعث می شود که دانش آموزان احساس شایستگی نموده و به این باور برسند که در مدرسه هر روز پیشرفت می کنند و آینده روشنی در پیش رو خواهند داشت (فلاوندی و همکاران، ۱۳۹۲) و رسیدن به چنین احساس خوشایندی نوجوانان را از گرایش به اعتیاد باز می دارد. همچنین، در مدارس که سطح فرهنگ در آن‌ها بالاست، دانش آموزان به یکدیگر احترام گذاشته و به یکدیگر کمک می کنند، دانش آموزان و معلمان به یکدیگر اعتماد داشته و رفتار دوستانه‌ای با یکدیگر خواهند داشت (الساندرو و ساد، ۱۹۹۷).

هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است و میزان درستی تفسیر نتایج باید در پرتو این محدودیت‌ها مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر، جامعه آماری شامل دانش آموزان دوره متوسطه شهر تبریز بود. بنابراین، تعمیم آن به سایر جوامع باید با احتیاط انجام گیرد. همچنین، بررسی این پژوهش به شیوه همبستگی امکان مقایسه بین گروهی و تعمیم نتایج آن به سایر جامعه را با محدودیت مواجه می کند. پیشنهاد می شود که در راستای این پژوهش، پژوهش‌های طولی نیز انجام شود و همچنین این پژوهش در شهرهای دیگر با فرهنگ‌های مختلف نیز اجرا شود. همچنین، پیشنهاد می شود جلسه‌ی اولیاء و مربیان در

مدارس بر اساس نحوه ارتباط در خانواده و فرهنگ مدرسه تشکیل شده و پکیج آموزشی شیوه تربیتی برای والدین، مربیان و دانش آموزان تهیه شود

منابع

- احمدی، پروین و نباتی، حمیده (۱۳۹۶). بررسی نقش فرهنگ مدرسه در تربیت اخلاقی کودکان. کنفرانس بین‌المللی فرهنگ آسیب‌شناسی روانی و تربیت، (۱)، ۹-۱.
- ایران‌دوست، فاطمه و محمدی، محمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با گرایش به اعتیاد نوجوانان. سومین همایش ملی سلامت و تندرستی، ۱۱-۱.
- پیرزاده، حجت‌الله؛ نظری، علی‌محمد؛ زهراکار، کیانوش و بابایی‌گیوی، رضا (۱۳۹۴). نقش کارکرد خانواده در پیش‌بینی گرایش به اختلالات اعتیادی و مرتبط با مواد در دانش‌آموزان ۱۶ تا ۱۹ ساله. سلامت اجتماعی، (۱)، ۳-۱۵.
- تجلی، فاطمه و زرنقش، مریم (۱۳۹۸). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با اعتیاد به مواد مخدر. مجله روان‌شناسی، (۳)، ۵-۱۶۶-۱۵۹.
- چمن، رضا؛ ابراهیمی‌کالن، محمد؛ دستورپور، مریم؛ جهان‌بین، پریا؛ کوثری، رانا و میلر، راسل (۱۳۹۹). تمایل به اعتیاد به مواد مخدر و عوامل خطر مرتبط: یک مطالعه مورد-شاهدی. مجله سوءمصرف مواد مخدر، (۴)، ۶-۱۵.
- خرشاهی، معصومه و اسماعیلی‌شاد، بهرنگ (۱۳۹۸). بررسی رابطه فرهنگ سازمانی مدرسه و از خودیگانگی تحصیلی دانش‌آموزان با آزمون نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی. فصلنامه خانواده و بهداشت، (۲)، ۹-۵۴-۴۰.
- روئینی‌ثانی، فرزانه؛ طالع‌سند، سیاوش و جمشیدی، لاله (۱۳۹۴). نقش تعدیل‌کننده اندازه مدرسه در رابطه فرهنگ با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پژوهش‌های آموزشی و یادگیری، (۷)، ۲۲-۸۸-۸۰.
- زینالی، علی و پاشاشریفی، حسن (۱۳۹۶). عوامل خطر و محافظت‌کننده سوءمصرف الکل و مواد در نوجوانان. مجله پزشکی ارومیه، (۱۲)، ۲۸-۸۴-۷۶.
- سادوک، بنجامین و سادوک، ویرجینا (۱۳۹۵). خلاصه روان‌پزشکی. علوم رفتاری، روان‌پزشکی بالینی - جلد دوم. ترجمه فرزین رضایی. تهران: ارجمند. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۱۵).
- شهریاری، شیرین؛ دستجردی، رضا؛ حجت‌زاده، نسرین؛ کیخانی، راضیه و رضائی، عباسعلی (۱۳۹۲). نقش و کارکرد خانواده در گرایش دانشجویان به اعتیاد و سوءمصرف مواد. دانشگاه علوم پزشکی زابل، (۴)، ۵-۶۷-۵۹.

صدری دمیچی، اسماعیل؛ رئیس قره درویشلو، سجاد و رحیمی زرج آباد، نقی (۱۳۹۶). بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی آمادگی به اعتیاد در جوانان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۲(۴۵)، ۱۳۰-۱۱۴.

عبدالهی، سامان و دارابی، شهرداد (۱۳۹۹). مدل ساختاری نقش عوامل محیطی و خانوادگی در پیشگیری رشد مدار از گرایش به مصرف مواد مخدر و روان گردان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۴(۵۶)، ۵۸-۴۱. علی‌پور، عیسی (۱۳۹۸). *بررسی عوامل محافظت‌کننده و مخاطره‌آمیز (عملکرد خانواده، باورهای دینی و هویت فرهنگی) در گرایش به اعتیاد نوجوانان شهر تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، موسسه چرخ نیلوفر شهر تبریز.

قلاوندی، حسن؛ امانی ساری‌بگلو، جواد؛ غلامی، محمدتقی و اکبری‌سوره، پروا (۱۳۹۲). فرهنگ مدرسه و از خودبیگانگی تحصیلی: نقش واسطه‌نیازهای روان‌شناختی اساسی. *راهبرد فرهنگ*، ۱۲(۱)، ۱۰۰-۱۱۶.

فتحی، آیت‌اله؛ رضایی، نورمحمد؛ موسوی‌فر، بابک و جلیز، رباب (۱۳۹۶). بررسی نقش ارزش‌های دینی در گرایش به اعتیاد در نوجوانان و جوانان شهر تبریز. *مطالعات پلیس زن*، ۲۷(۱۵)، ۸۲-۶۸. فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۴). *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

قلاوندی، حسن؛ امانی ساری‌بگلو، جواد و بابایی‌سنگلجی، محسن (۱۳۹۲). تحلیل کانونی رابطه فرهنگ مدرسه با نیازهای روان‌شناختی اساسی در میان دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۸(۴)، ۲۸-۹.

کشتکاران، طاهره (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۱(۳۹)، ۵۵-۴۳.

کوروش‌نیا، مریم و لطیفیان، مرتضی (۱۳۸۶). بررسی روایی و پایایی ابزار تجدیدنظر شده‌ی الگوهای ارتباطی خانواده. *فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی*، ۳(۱۲)، ۸۷۵-۸۵۵.

میرحسامی، شریف (۱۳۸۸). *بررسی نقش خانواده در گرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد*. پایان‌نامه کارشناسی، چاپ نشده، دانشگاه پیام نور.

References

- Higgins-D'Alessandro, A., & Sath, D. (1998). The dimensions and measurement of school culture: Understanding school culture as the basis for school reform. *International Journal of Educational Research*, 27(7), 553-569.
- Bandura, A. (1999). A sociocognitive analysis of substance abuse: An agentic perspective. *Psychological Science*, 10(3), 214-217.
- Chen, P., & Jacobson, K. C. (2012). Developmental trajectories of substance use from early adolescence to young adulthood: Gender and racial/ethnic differences. *Journal of Adolescent Health*, 50(2), 154-163.

- Dahlberg, M., Anderberg, M., & Wennberg, P. (2017). Psychometric properties of the UngDOK: A structured interview for adolescents with substance-use problems. *Nordic Studies on Alcohol and Drugs*, 34(2), 160-172.
- Deal, T. E. (1993). *The Culture of Schools*. In M. Sashkin and H.J. Wallberg (Eds), *Educational Leadership and School Culture*. Berkely. California: Mccuthan Publishing.
- Huang, L. N. (1999). Family communication patterns and personality characteristics. *Communication Quarterly*, 47(2), 230-243.
- Hummel, A., Shelton, K. H., Heron, J., Moore, L., & van den Bree, M. B. (2013). A systematic review of the relationships between family functioning, pubertal timing and adolescent substance use. *Addiction*, 108(3), 487-496.
- Jones, K. R., & Ezeife, A. N. (2011). School size as a factor in the academic achievement of elementary school students. *Psychology*, 2(08), 859-868.
- Mathew, K. M., Regmi, B., & Lama, L. D. (2018). Role of Family in Addictive Disorders. *International Journal of Psychosocial Rehabilitation*, 22(1), 65-75.
- Koerner, F. A., & Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1), 36-65.
- Ma, H., Unger, J. B., Chou, C. P., Sun, P., Palmer, P. H., Zhou, Y., ... & Johnson, C. A. (2008). Risk factors for adolescent smoking in urban and rural China: findings from the China seven cities study. *Addictive Behaviors*, 33(8), 1081-1085.
- Mead, M. (1953). *Coming of Age in Samoa*. New York. Modern Library.
- Piko, B. F., & Kovács, E. (2010). Do parents and school matter? Protective factors for adolescent substance use. *Addictive Behaviors*, 35(1), 53-56.
- Platter, A. J., & Kelley, M. L. (2012). Effectiveness of an educational and support program for family members of a substance abuser. *The American Journal of Family Therapy*, 40(3), 208-213.
- Polles, A., Williams, M., Phalin, B., Teitelbaum, S., & Merlo, L. (2020). Neuropsychological impairment associated with substance use by physicians. *Journal of the Neurological Sciences*, 411, 116714.
- Reeve, J. M. (2009). *Understanding motivation and emotion (5ed.)*. New York: Wiley.
- Ritchie, L. D., & Fitzpatrick, M. A. (1990). Family communication patterns: Measuring intrapersonal perceptions of interpersonal relationships. *Communication Research*, 17(4), 523-544.
- Sehein, E. H. (1985). *Organizational Culture and Leadership*. Sanfrancisco: Jossey-Bass.
- Siegel, J. P. (2015). Emotional regulation in adolescent substance use disorders: Rethinking risk. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 24(2), 67-79.
- Siffert, A., & Schwarts, B. (2011). Spouses demand and withdrawal during marital conflict in relation to well- begin. *Journal of Social and Personal Relationships*, 28(2), 262-277.
- Stone, A. L., Becker, L. G., Huber, A. M., & Catalano, R. F. (2012). Review of risk and protective factors of substance use and problem use in emerging adulthood. *Addictive Behaviors*, 37(7), 747-775.